

نویس

سال چهارم، شماره ۶۸، شنبه ۱۴ بهمن ۱۳۵۷

(وابسته به حزب توده ایران)

پیام استقبال میلیونی مردم

این سلطنت، این مصلحت، این مصلحتین، این دولت ضد مردم همه فیرقا سونی اند...

آیت الله بروجردیهای آزادی بر این واقعت صای، حیاتی و بسیار رسماً و خطیرتکلیه کردگه: "فقط قدم مبارزات مرحله جدید، با پشت های گستره واقعی وقتی است که دست اجانب کوتاه و شما پریت های رژیم سلطنتی از این مرزبوم گنده شود. و با این تا کید، کلیه بروجردی های دیروز و امروز و فردا را در یک بهام مختروما مع بیان داشت: وحدت مردم رزمی بروجردی است، آن را از دست ندهید..."

یک میلیون نفردرگورستان بهشت زهرا و میلیون ها نفردر سراسر مملکت، به این بهام وحدت، به این برنام مبارزات مرحله جدید، با پشت های گستره کرده، هلهله زدند و با سرخاست و غروربوزمی خود با رخ مشت دادند. استقبال از است الله مبارز و ستم بدینسان همه مفاهیم و پیام های آشکار و نهفته خود را بر ملا کردند. این استقبال عظیم تاریخ امروز از تاریخ فردا، فراموشگونی، از ستمگونی، از ستمگونی تری که در راهند، بود. و آن رهبرانی که این ستم و سباز و ارمان مردمی را در اقدام و گفتار خود تفسیر کردند، و در این سنگربای با پیشرفت، بزمج بلند میلیون ها و میلیون ها استقبال کننده، در شمار سرود و ترانه مردم به زندگانی برمنای خود ادامه خواهند داد.

آیت الله خمینی تاکنون با طرد و سوزش، و سوادگیری سیاسی، با هجوم بی مهارت به فلسف و اردوهای صمم، با استواری و بیگمیری رزمی، به غواستوه و نیت نهایی رزموندتوده ها با رخ داد و با رخ متقابل مردم را در استقامتی که هم زفراندوم بود و هم رزه یک سپاه عظیم که برای نبردگی که قلمد آن را با تار و پود و جود و جود در یک می کنند، در یافت داشت، این گنه حقیقت استقبال می نظیر بروجردی شنبه بوده که با بد از آن آموخت و بسیار آموخت.

استقبال شورا انگیز میلیون ها نفر از آیت الله خمینی که خبرنگاران خارجی آن را بزرگترین استقبال تاریخ خوانده اند، شما بیش بزمج آزادی وسیع ترین توده های مردم برای به خاک سپردن یک صحرانیت به صحریدیدی بود که بسرد دروازه تاریخی آن مثل های آزادی زیانه می کشند. استقبال حماسه و آرزوی پهن خسته که سادگی مردمی آن طاعت خلق آن را می آراست، استقبال از کشتاک از نظامی بود که با بهای بگزین نظم رنگ زده و غوغا و سلطنتی شود، زندان ها و شکنجه گاه ها را پرچیند، به غارت و سلطه، بی رویه و آمیخته به تحقیق امیریا لسم با بیان دهد، طرازان و میرغضب ها و داروغه های استبداد و ستمگران داخلی را به دادگاه عدالت خلق بکشاند، ارتش و نیروهای انتظامی را که با دست طراخان امیریا لسم و استبداد و با روسیه، و روانشناسی فئودالی سازمان و پهرورث یافته، در هم شکنند و به خدمت خلق در آورند سازمانی را با چرخ و دین و جانیات ساواک را از رخ و بی مردم بکوبند و راه را برای ساختن و برداختن امیریا لسم و استقلال و آزادی و شکوفایی بگشاید.

میلیون ها استقبال کننده با دل های شعله ور و آغوش پرتوق و انتظار به استقبال چنین مبهنی رفتند و با فریادهای که گویی از دورن گوردها و دهها هزار شهید و خون مندا و سدها هزار زخم خورده راه آزادی بر می خاست، این آینه، این افق، این مبین زمین گشته را آواز دادند.

آیت الله خمینی بروجردیهای گلگون کفن بهشت زهرا، این آرزویمان ملی و مردمی را تفسیر کرد:

- ما می خواهیم مملکت دارای نظام مائستی ملت باشد...
- دولت و مصلحت آینه بر اساس آرای مردم تشکیل خواهند شد...
- تا زنده ایم نخواهیم گذاشت هنی ما به کام آمریکا برود...



دکتر تفتی ارانی رهبر زحمتکشان ایران

۱۴ بهمن

روز خاطره های سخ شهیدان

اسمال چهارم بهمن، سالروز شهادت دکتر تفتی ارانی، دانشمند انقلابی و رهبر زحمتکشان ایران، روز خاطره های سخ شهیدان، یاد آزادی و استقلال مبین ما را در تراثی بزرگوار می کشد که جنبش انقلابی مردم نهران مبین ما، غرقه در خون و شهادت، با ستم و ستمی شکست انگیز به پیش می تازد. ارمان جویبارهای خونی که در سراسر کشور جاری است، میلیون ها لاله، سرخ می روید و به آرزای راسخ می دهد. با وفا داری به ارمان های و آلی همه شهیدان بهشت، همچنان که خون آنان در بیجا شترک در هم آمیخت، بیوند خود را عمیق تر کنیم و با اتحاد همه نیروهای ملی و دمکراتیک مقاومت از تاج سلطنتی و امیریا لست های فاشنگرامی آن را در هم شکنیم و برای سوز، آزادی و استقلال و آبادی بنا کنیم.

نمایندگان احزاب کمونیست و

کارگری کشورهای عربی با مبارزات

مردم ایران اعلام همبستگی میکنند

کمیته مرکزی حزب توده ایران و نقای عربی مانمایندگان احزاب کمونیست و کارگری کشور های عربی که در ۱۹۷۸ برای بررسی مسائل جهان عرب و رویدادهای آنجا و در میان کرده اند، همگرم ترش در و دهای خود را همرا با تقدیر و تحسین بی پایان به شقا و سب و سب، شامه اعمای حزب سارز شامه، مردم ایران تقدیم می دارند. نقای عربی را با انقلاب با طاعت تمام میربا لیمتی شامه و آگه علمه انارث امریکا و استعمار، علمسه نظام شاهنشاهی مردوز و همدست صهیونیسم و علمه بنا ز مانده های فئودالیسم است، الهام بهشت ملت عرب و پشتنان ضرورت و خواست های عادلانه، آزادی و سب لفظات حاین و بیرو مصلحت تا رخش می آید. انقلاب بیرو مصلحتا بگانه با رخ به خیانت شاه و سیاست استعمارگرانه سبمال آل امیریا لست امریکا در سوزن ایران لاکشیده است. این سیاست نه تنها به سوزنی و دشمنی کردی ایران سبنا شامه بلکه مردم ایران را از قوت لایموت سبز محروم ساخته است.

در حالی که ارتجاع عرب با غوغای مرکبا رسنه اشعار ارتش منان انقلاب خلق ایران علیه دشمنانش می نگرند، و دهای عظیم کشور های عربی امیدا گل دارند که انقلاب بیرو مصلحتا به استعمار و محسوری ایران خواهد انجامید، ما به پیروزی مردم ایران اعتماد عمیق داریم. رسته های برادری در میان ارتش و کارگری و اشتراک سرنوشت در آنها را با ارت استعمار زنی، ما را به مردم ایران پیوند می دهد.

دیاله در جمعه ۲

درد بر طبقه کارگر رزمنده ایران

رویدادها، رسالت تاریخی بی سبب به طبقه کارگر گذارده است. تجربه جنبش های جهانی یعنی آن آموزگه مبارزه انقلابی بوده ای وقتی می توانیم به پیروزی تامل انگیزه خود است سیاسی و اقتصادی را در پیوسته ارگاس با یکدیگر عرضه داریم. تجربه مبارزه ما متوجه دشمنانمده خلق کند. فراروسی بر رخ مبارزات اقتصادی کارگران به ضرورت سیاسی در فاطمه زمانی است که طرخ خواست های عمیق و میربا لیمتی، سطح عالی دوک سیاسی دوران نهایی طبقه کارگر را با درگیری شترک و رساند.

در شرایط مشخص کنونی کشور ما، اکثریت قاطع توده ها و آزان جمله کارگران علمه سلطنت استبدادی به با خاسته و نه حق خواهان سرنوشتی رژیم فئودالی و فئودالیست محمدرضا شاه هستند. ولی این پرولتاریا بی ضرورتی بود که به درستی درک کرد که سرنوشتی رژیم بدون مبارزه، سبخت و پیگیری علمه دشمن عمده، یعنی امیریا لست و استبداد آفریننده، رژیم پلیسی امگان پذیر نیست بدینسان شترکارگران ایران شتان دادنگه میگاه. این سخنان کمین بزرگ را فراموش نمی کنند که طبقه کارگر در جریان مبارزه سیاسی و اقتصادی خود تنها بخش بزرگی از طبقات موجود در جامعه سوز و آس و آفغان نمی کشد، بلکه نقش رهبر، هادی و پیشترو را نیز به عهده دارد. این امر تاریخی از استبداد است که آموزش لنین، پرولتاریا را از نظر اقتصادی بر امر اکترتاریای سیستم اقتصادی نظام سرمایه داری و بیرو مصلحتا اعما بآن تسلط دارد.

کوتاه سخن، طبقه کارگر نقش مهمی در هدایت جنبش به راه ملی و دمکراتیک و به شتر سادن آن به عهده دارد. برای انجام این وظیفه خطیر، قبل از هر چیز، شکل و اتحاد دورن خود کارگران اهمیت ویژه ای کسب می کند. در شرایط اوج جنبش کنونی امگان چنین شکل و اتحاد آرزو به دست گرفتن اداره امور سبنا گاه در هر رسته صنعتی و دستا سنی به وحدت فعل و اتحاد استبداد گاه رسته ها و کارگران بیس از پیش فراهم است. ما به از این فرصت مناسب و مساعی برای شکل ناما زارش پنج میلییون نظری پرولتاریا استفاده کرد.

ساله عمده، شکل پیشترو سب و آگه ترین بخش های کارگران در هفولت حزب خود حزب توده ایران است. این طبقه کارگر در سبای جزوت دیاله در جمعه ۲

در بهام کمیته مرکزی حزب توده ایران به کارگران، کارمندان و کلیه زحمتکشان از جمله گفته می شود که: کارگران سربست ترین مبارزان ضد ارتجاع و امیریا لسم و نوا استعمار هستند. همین سبب طبقه کارگر ایران بگانه نیروی است که می تواند نقش تعیین کننده ای در پیروزی نهایی مائستی و پیشترو ایران ایفا کند و به زمانهای زحمتکشان و پیشتروهای آزادیخواه و استقلال طلبان تحقق بخشد.

این آرزوی از پیش طبقه کارگر، تنها یک آرزوی سیاسی و اصولی نیست. رسته سرمایه داری، به ویژه در سده های اخیر که همراه با افزایش کنونی پرولتاریا بود، سیاسی جامعه و آرایش نیروهای طبقه ای را بیش از پیش در گون ساخت. با افزایش سهم پرولتاریا در صنعت، یعنی پیشتروترین و آگه ترین بخش طبقه کارگر، مجموعه کارگران، موجودات زندگیانی آن نیز فراهم آمد. بدینسان طبقه کارگر به مؤثرترین نیروی اجتماعی در سرنوشت حال و آینده کشور تبدیل شد.

نیروی طبقه کارگر با سداد آن، با نقش آن در اقتصاد کشور، بیوندش با توده های زحمتکش با درجه شکل آن رابطه مستقیم دارد. هم اکنون تعداد کارگران مزدبگیر در کشور به رسته های اقتصادی به حدود پنج میلیون نفر رسیده، که حاکی از وزن مهمی چشمگیر آن در کل ساختار اقتصادی است. این نیز روشن است که نیروی پرولتاریا در حرکت تاریخی به مراتب پیش از صنعت آن در کل جمعیت است. سبب بیجا زوجیانه پرولتاریا، سطح نسبتا بالای تمرکز پرولتاریا و معنی در پوستات بزرگ و این که علی رغم ضرورت و حقیقت نه، حاکم بر کشور، که لیه، میزان بیش از همه و در درجه اول متوجه کارگران است و صرف نظر از مشکلات سدهای عینی موجود در راه رده سبب کفایت و نوا سبب، اعصاب های گسترده، شتر سادن و بیرو مصلحت آن، به طرز بزرگی عیبسان با خاستگ بهخار حرمی انقلابی و آگهی طبقاتی طبقه کارگر در سطح عالی قرار دارد و پرولتاریا ای ایران دارای امکانات انقلابی بی وسعی است. کارگران با شرکت مؤثر و فراگیر خود در جنبش کنونی و طرح خواست های مشخص ملی و دمکراتیک عملا سبب شیوت رسا ندننده نیروی عمده خلق و پیشتروین عامل سرنوشت و تحولات بنیادی جامعه می باشند.

پیش بسوی تدارک همه جانبه مبارزه مسلحانه خلق

